

بررسی نقش فلز در اشیاء ویژه عاشورا

مروارید لطیف زاده

چکیده:

مراسم عاشورا و عزاداری ماه محرم، علاوه بر اینکه از گذشته‌های دور در باور اعتقادی مردم ایران از لحاظ تاریخی - مذهبی جایگاه ویژه‌ای داشته، در حوزه‌های مختلف هنری نیز تأثیرگذار بوده است. در پژوهش پیش رو نقش فلز در اشیاء مورد استفاده در این مراسم بررسی شده که هدف از آن آشنایی و شناخت اشیاء فلزی مورد استفاده در عزاداری ماه محرم، با توجه به زمینه‌های فرهنگی، هنری و تاریخی چند هزار ساله این سرزمین است.

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که به این منظور ابتدا اطلاعاتی را در متن تحقیق آورده‌ام که شیوه جمع‌آوری آنها به صورت کتابخانه‌ای بوده است؛ و در آخرین قسمت نیز به تحلیل نقوش و عناصر استفاده شده در اشیاء فلزی محرم، با توجه به تاریخ هنری گذشته ایران پرداختم.

مقدمه:

مراسم عاشورا و عزاداری ماه محرم، یکی از آیین‌های مذهبی است که از گذشته‌های دور در میان

شیعیان اجرا می‌شده است. این مراسم در خطه‌ها و نواحی مختلف ایران به صورت‌های گوناگونی متجلی شده است و مردم این نواحی، به طرق و با مراسم مختلف به عزاداری برای سیدالشهدا و بقیه شهیدان حماسه کربلا می‌پردازند. علاوه بر جایگاه ویژه‌ای که این مراسم در باور و اعتقادات مذهبی مردم داشته، در حوزه‌های مختلف هنری نیز تأثیرگذار بوده است و هنرمندان از گونه‌های مختلف هنری برای بیان حماسه عاشورا و انتقال پیام آن، که نبرد و ستیز حق در برابر باطل و ظلم است، بهره گرفته‌اند.

در این پژوهش به بررسی نقش فلز و اشیاء فلزی در مراسم عاشورا پرداخته شده است. هدف از این پژوهش آشنایی و شناخت این اشیاء با توجه به زمینه‌ها و پیشینه فرهنگی، هنری و تاریخی چند هزار ساله ایران است.

به این منظور ابتدا اطلاعاتی را با روش کتابخانه‌ای و از کتب مختلف و همچنین چند مقاله در مجلات معتبر جمع‌آوری کردم. در قسمت آخر نیز به تحلیل نقوش و عناصری که در اشیاء فلزی محرم استفاده می‌شود، پرداخته‌ام.

این پژوهش از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول ابتدا درباره سابقه حضور مذهب شیعه در ایران صحبت شده و سپس به زمینه‌های فرهنگی - تاریخی مراسم عاشورا در ایران و در نهایت تجلی هنر در آیین عاشورا پرداخته شده است.

بخش دوم نیز با خلاصه‌ای از سابقه فلزکاری در ایران آغاز و با معرفی و توضیح اشیاء فلزی ویژه عاشورا و در نهایت بررسی بصری این اشیاء ادامه پیدا کرده و در پایان، حاصل کلام و نتیجه پژوهش ارائه شده است.

ایران، فرهنگ شیعه و عاشورا

حضور مذهب شیعه در ایران:

پس از انقراض ساسانیان، ایران تحت سلطه سلسله بنی‌امیه و پس از چند سده، بنی‌عباس قرار گرفت. در زمانی که تمدن عباسی به اوج شکوفایی و بزرگی خود رسیده بود، تعدادی حکومت محلی در سرزمین‌های تحت حاکمیت آنها تشکیل شدند. از میان حکومت‌های محلی ایران می‌توان به سامانیان در خراسان و آسیای مرکزی و آل‌بویه در نواحی جنوبی دریای خزر اشاره کرد.

سامانیان که مقرر حکومتشان در بخارا بود، به احیای زبان، ادبیات و هنر فارسی پرداختند. در طی حکومت آنها خاندان ایرانی دیگری به نام آل‌بویه در منطقه غرب ایران حاکم بودند که در واقع خاندانی دیلمی بودند و استقلال خود را حفظ کرده بودند. آنها به تدریج قدرتمند شدند و توانستند بغداد را اشغال کرده و قدرت سیاسی را از خلیفه بگیرند، اما اجازه دادند که خلیفه وقت در پست خود باقی بماند. آل‌بویه شیعه مذهب و پیرو امام علی (ع) و خاندان او بودند. کتیبه‌ای هم که به زبان فارسی و به دستور یکی از حاکمان آل‌بویه برای مقبره امام علی (ع) در نجف ساخته شده، گواه این مطلب است. پس از چندی، حکومت آنها توسط سلجوقیان منقرض شد. بعد از حمله مغول‌ها و تأسیس سلسله ایلخانی در ایران، شیعه رنگی تازه گرفت.

سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) یکی از حاکمان ایلخانی بود که در ابتدا بودامذهب بود، ولی پس از مدتی به دین مسیحیت و در نهایت به اسلام گروید و در پایان پس از تردید بین شیعه و سنی، به مذهب شیعه گرایش یافت. با این اوصاف، باید گفت که اولجایتو اولین شخصی بود که حاکمیت شیعه را به طور رسمی در دوره ایلخانان تثبیت کرد.

حدود پنجاه سال پس از حمله مغول‌ها، تیمور با حمله به ایران توانست سراسر کشور را تحت تسلط خود درآورد.

او سنی مذهب بود، ولی به عقاید شیعه بی‌توجه نبود. او به حضرت علی (ع) و نوادگانش توجه ویژه‌ای داشت و این امر از کتیبه‌هایی که به فرمان او در بناها ساخته شده‌اند، به وضوح نمایان است. پس از مرگ تیمور، پسرش، شاهرخ، به حکومت رسید و پایتخت را از سمرقند به هرات منتقل کرد. در دوره شاهرخ، آرامشی در کشور ایجاد شد و گروه‌های زیادی با آرامش در کنار یکدیگر زندگی کردند.

تیموریان آگاه بودند که در آثار هنری تحت حمایتشان عناصر برجسته شیعی وجود دارد و آنها با توجه به دلایلی خاص و قابل قبول این عناصر را در آثار خود به کار بردند. تیموریان بیشتر توان خود را صرف آثار معماری کردند. آنها مقبره امام‌رضا (ع) را در مشهد بنا کرده و در موارد لازم، الحاقاتی را به آن افزودند. با آنکه شاهرخ و همسرش گوهرشاد، هر دو سنی مذهب بودند، ولی گوهرشاد تلاش بسیاری در تعمیر و زینت بخشیدن به مقبره امام‌رضا (ع) که مهم‌ترین مقبره شیعی ایران محسوب می‌شود، مبذول داشت.

پس از تیموریان و با روی کار آمدن صفویان، مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شد. سلسله صفوی بیش از یک سده دوام یافت و سنت پادشاهی را دوباره برقرار کرد.

زمینه‌های فرهنگی - تاریخی مراسم عاشورا در ایران:

مراسم عزاداری که در ماه محرم برگزار می‌شود، دارای دو منشأ است:

۱- حماسه شهادت امام حسین (ع) و یارانش در کربلا.

۲- آیین‌ها و مراسمی که در ایران و سرزمین‌های متأثر از فرهنگ ایران برگزار می‌شده است.

منشأ اول نشانگر ایستادگی و پایداری در برابر ظلم و ستم ستمگر با کمترین امکانات، جلوه‌های نمایان روابط عاطفی و انسانی و مظلومیت توأم با شجاعت که به شهادت می‌انجامد، است و منظور از شهادت، جان باختن آگاهانه در راه یک آرمان مشخص است. چنین اعتقادی که در یک زمینه مذهبی شکل می‌گیرد، با جانمایه حماسی، توان ماندگار شدن و جاودانگی دارد و می‌تواند در بستر سنت‌ها رواج یابد، اما برای تحقق این توان نهفته، عامل دیگری نیز لازم است که در واقع ظرفی است که توانایی و گنجایش پذیرش این محتوا را داشته باشد و این همان منشأ دوم مراسم عزاداری ماه محرم است.

سرزمین اصلی اسلام و سرزمین‌های غربی دنیای اسلام این ویژگی را نداشتند، اما سرزمین‌های ایرانی به دلیل پیشینه خاص آیینی خود، پذیرای این رخداد شدند. «چنین بود که در صیقل زمینه‌های عاطفی، انسانی و آیینی سوگ‌یادهای ایرانی و از جمله سوگ‌یادهای سیاوش، که هنوز زنده و جاری بود، رخداد بزرگ کربلا چنان بازتابی یافت که جهانی شد و همه زمانی، و ماندگار و دیرپا.» (محمد، میرشکرایی، «زمینه‌های فرهنگی - تاریخی آیین‌های عاشورایی در جهان ایرانی»: ۲۷)

بدین ترتیب مراسم ماه محرم که مربوط به فرهنگ مبارز تشیع است، در رگ‌وبی سنت‌های کهن نشست و همه ارزش‌هایی را که شایسته تداوم در جریان فرهنگ بودند، با خود همراه کرد. بنابراین در نگاه مردم این سرزمین، مراسم ماه محرم، جلوه‌گاه قابل لمس نور و ظلمت و نماد ستیز و رویارویی حق و باطل است. پس می‌توان گفت که مراسم ماه محرم یک نماد است. مراسم و آیین‌ها، عناصر فرهنگی سیالی هستند که بنابر کیفیات ذاتی خود با تمام اجزائی که فرهنگ از آنها تشکیل شده، در تماس بوده و باعث استواری و استحکام فرهنگ و جامعه هستند. مراسم ماه محرم در ایران

در رویارویی با مجموعه فرهنگ، عناصر نمادین آن را به خود گرفت و آن را سرشار از اندیشه شیعه کرد و دوباره به فرهنگ مردم تحویل داد.

تجلی هنر در آیین عاشورا

همیشه در طول تاریخ ایران، بین هنر و آداب معنوی مربوط به مذهب، ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته است. «در حقیقت دین یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده هنر و هنر نیز زبان عمیق‌ترین حکمت‌های بشر و جلوه‌گاه زیباترین احساس‌های عرفانی بوده است.» (محمد، خزائی، «ترویج شمایل‌های زمینی، تضعیف پیام آسمانی عاشورا»: ۴)

این ارتباط در هنر قبل از اسلام نیز در ایران وجود داشته است؛ چنانکه آثار هنری بسیاری از این دوره به جا مانده که بر مبنای مفاهیم نمادین و به صورت تجریدی کار شده‌اند. ارتباط بین هنر و دین در دوره اسلامی به اوج شکوفایی خود رسید و هنرمندان مسلمان، بسیاری از مفاهیم معنوی و حماسی را به وسیله نقش‌های نمادین و با تکیه بر اصول زیباشناسی ارائه کردند. به طور کل باید گفت که هنرهای بصری در طول دوره اسلامی یک هنر تجریدی- تزئینی و نمادین بوده و بیشترین موفقیت هنر اسلامی در این زمینه بوده است. این موفقیت نشان‌دهنده گرایش هنرمندان به روح اسلام و آداب معنوی است که این چنین تجلی یافته است. خلق آثار هنری در ایران با تکیه بر ارزش‌ها، سنت‌ها و مفاهیم درونی هنرمند شکل گرفته و همیشه دو خصیصه مهم در این هنر موجود بوده است: هنرمندان، همیشه کمال مطلوب را بر واقعیت، و تجرید و ایجاز را بر طبیعت‌گرایی ترجیح داده‌اند. آنها همیشه تلاش کرده‌اند با نگاهی معنوی، بخشی از صورت موضوع را نمایش دهند که با چشم ظاهر دیده نمی‌شود. حال آنکه حماسه عاشورا از موضوعات بسیار مهمی است که هنرمندان شیعه در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا پیام و مفاهیم آن را به وسیله قالب‌هایی نمادین همچون کلام، نقش و حجم در آثار هنری خویش جلوه‌گر سازند.

درباره نماد و نشانه‌های نمادین باید گفت که نشانه آن چیزی است که ما را از خود فراتر ببرد و به چیزی دیگر جز خودش هدایت کند. نشانه ممکن است طبیعی یا قراردادی باشد، ولی نشانه‌ای که ما درباره آن صحبت می‌کنیم، نشانه فرهنگی است که قراردادی است ثبت نشده که برای همه افرادی که به یک فضای فرهنگی واحد تعلق دارند، مفهومی مشترک و قابل ادراک است. نشانه فرهنگی،

وضع کننده، به وجود آورنده و زمان پیدایش مشخصی ندارد، اما برای مردم متعلق به آن فرهنگ آشناست. نماد، صورت پیچیده نشانه فرهنگی است که هاله‌ای از تقدس مذهبی و اسطوره‌ای بر گرد خود دارد و به گذشته‌های تاریخی زندگی انسان مربوط است. باید گفت که گستره نماد پر رمز و رازتر از نشانه‌های ساده است. گاهی هم یک نشانه، هر دو نقش را می‌پذیرد. یعنی در جایی یک نشانه ساده فرهنگی و در جایی دیگر به عنوان یک نماد محسوب می‌شود که به اینگونه نشانه‌ها، نشانه‌های نمادین گفته می‌شود.

«مراسم ماه محرم، سرشار از نشانه‌های نمادین است که در دسته گردانی‌ها، در تعزیه و شبیه‌خوانی‌ها و دیگر آیین‌ها و رسم‌های معمول، در صورت‌های گوناگون جلوه می‌نمایند: در قالب‌های شیء، حرکت و رفتار، رنگ، صدا، کلام، زمان، مکان، شخصیت و مانند اینها. در همه موارد، بیان نمادین جلوه‌ای هنری دارد و در آن از هنرهایی مثل نمایش، موسیقی، شعر، نقاسی، انواع هنرهای دستی و جز اینها بهره می‌گیرد. نشانه نمادین گاهی در قالب کلیت یک رسم می‌نشیند و در مواردی جانمایه اعتقادی رسم یا مراسم، در پیوند با یک آرمان، هدفمند و اندیشیده در این کالبد قرار می‌گیرد.» (محمد، میرشکرایی، «محرم و نشانه‌های نمادین»: ۵۳)

در تاریخ فرهنگ مصور شیعه، هنر عاشورایی با بیانی نمادین و مفاهیم عمیق و ژرف، به حرکت خود ادامه داده است. این هنر در قالب کتیبه‌های پارچه‌ای مزین به اشعار و نقوش عاشورایی، علم‌ها، سرعلم‌ها، علامت‌ها، نخل، درخت و نیز گاهی با به کارگیری نمادهای اسطوره‌ای قبل از اسلام مثل سرهای ازدها به حیات خود ادامه داده است.

شناخت و درک این زبان نمادین که نشأت گرفته از تفکر چندصدساله هنرمندان عاشورایی است، علاوه بر اینکه میراث معنوی حماسه کربلا را در خود دارد، دل و جان عاشقان حسینی را نیز آماده می‌کند. توق، علم، نخل، کتل و انواع پارچه‌ها در بیشتر مناطق ایران، «علم گیسو» در یزد و بیرجند و برخی نقاط دیگر، تشت گذاری در منطقه اردبیل و خلخال، گهواره‌های کوچک نذری در پاره‌ای نقاط و شمع و چراغ در بیشتر مناطق ایران با وجه نمایشی و محتوای نمادین خود و همچنین مکان‌های آیینی مانند امامزاده‌ها و تکایا، کنار چشمه و درخت مقدس و مانند اینها و نیز زمان آیینی مثل پگاه در مراسم عاشورای آبادی‌های دره‌ها و دامنه‌های کوه البرز، ظهر در مراسم عاشورای بیرجند، به عنوان نماد لحظه شهادت امام حسین (ع) و همچنین شب در همه نقاط ایران در شب

عاشورا و شام غریبان، همگی در طول سالیان دراز با همین نیت به کار برده شده‌اند و به حیات فرهنگی خود ادامه داده‌اند.

بررسی نقش فلز در اشیاء ویژه عاشورا

سابقه فلزکاری در ایران:

از اصلیت و نژاد ساکنان اولیه فلات ایران اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی از یافته‌ها چنین برمی‌آید که این اقوام غارنشین بوده‌اند و تمدن ابتدایی و خامی داشته‌اند که با مهاجرت آریاییان به این منطقه، به توسعه و تکامل رسیده است. در دوره مس، ساکنان بومی، بدون ذوب کردن این ماده آن را چکش کاری می‌کردند و در ساخت اشیایی مانند سنجاق و درفش مورد استفاده قرار می‌دادند. به دلیل ارتباطات بازرگانی، این هنر گسترش یافت که البته ذوق و دید هنری سازندگان آن در به کمال رسیدن این هنر بسیار حائز اهمیت است.

در قرون بعد، در بین سال‌های ۱۱۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد هنر مفرغ‌سازی در غرب ایران رونق یافت. هنر مفرغ‌سازی لرستان به دلیل باورهای مذهبی مردمانش پیشرفت کرد، زیرا آنها به قدرت آسمانی اعتقاد داشتند و زندگی خود را صرف تهیه مقدمات مرگ و زندگی در جهانی دیگر می‌کردند.

استفاده از آهن از هزاره اول میلادی معمول شد. از آنجایی که این فلز مقاوم‌تر از مس و مفرغ است، تأثیر به‌سزایی در تحول فرهنگ بشری داشته است. نقوش برجسته جانوران روی ظروف هخامنشی و در معماری تخت جمشید، با الهام‌پذیری از هنر اقوام لرستان انجام پذیرفته است. آنها با اینکه از هنر بسیاری از اقوام تأثیر گرفته بودند، ولی خودشان صاحب سبک بوده و این هنر را به کمال رساندند. هنرمندان پارسی نیز یا کاملاً از هنر هخامنشی تقلید می‌کردند و یا از هنر یونانی. در اواخر دوره اشکانیان، آثار مفرغی آنها پیشرفت کرده بود و صادر می‌شد. در دوره ساسانی، از میان تمامی هنرها، ظروف سیمین زراندود، تصویر کامل‌تری از هنر ساسانی را ارائه می‌دهند. سیر تحول این هنر را می‌توان از قرن سوم تا هفتم میلادی به وضوح مشاهده کرد. باید گفت که سیمینه‌ها فقط به دستور پادشاهان ساخته نمی‌شدند، ولی بهترینشان ظروفی هستند که صحنه شکار شاهان ساسانی بر رویشان تصویر شده است. سایر انواع ظروف، نقوش جانوری، گیاهی، هندسی و یا موضوعات روزمره اساطیری یا مذهبی دارند.

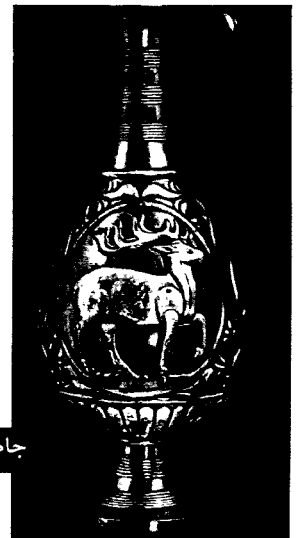


بشقاب سیمین زرانود ساسانی، با نقش شاه و سوار

نقره کاران ساسانی از سه روش در هنر نقره کاری خود بهره می بردند:

- ۱- ساخت اشیاء نقره به وسیله چکش کاری بر ورقه سرد نقره.
- ۲- هنر فلزکاری ریخته گری در اشیاء سیمین. در این روش برای ساخت ظروف از قالب مومی و خاک رس استفاده می کردند و نقره را به صورت مذاب در آن می ریختند.
- ۳- ساخت ظروف آستر دار از صفحات نقره. در این روش دو تخته فلز نقره را که یکی تزئین شده و دیگری ساده بود، روی هم قرار می دادند و با الحیم یا چکش کاری، لبه های آن را به هم وصل می کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جام فلزی ساسانی، با نقش گوزن

پس از ورود اسلام به ایران، پس از دو قرن هنرمندان ایرانی اسلوب و روش فلزکاران ساسانی را سرمشق کارهای خود قرار دادند. آثار فلزی بین قرون سوم تا ششم هجری بیشتر از خراسان، همدان، ری و سمرقند به دست آمده است و در تزئین آنها بیشتر از اشکال حیوانات، شاخه‌های گیاهی و خطوط کوفی استفاده شده است. «این هنر در قرون دوم و سوم هجری ساده و بی‌پیرایه، در قرون چهارم در زمان حکومت شاهان و امرای محلی متین و ظریف، و در قرن پنجم در زمان حکومت سلجوقیان و بعد از آن باشکوه و مجلل بوده است.» (الهی، تجلی عاشورا در هنر ایران: ۲۸)

هنر فلزکاری ایران، به‌ویژه در سده‌های میانی دوره اسلامی با نام خراسان پیوند خاصی داشته و از ارج و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است. از قرن دوم و سوم هجری مفرغینه‌های خراسان روند کیفی روبه‌رشدی را آغاز کرد و به تدریج در دوره سلجوقی مرغوب‌ترین کالای فلزی ایران و حتی نواحی همجوار غربی و شمال غربی محسوب می‌شد.

فلزکاری سلجوقی از همان ابهت و جلال فلزکاری ساسانی برخوردار بود، اما جنبه‌های اسلامی نیز در آن رعایت می‌شد. صنعتگران فلزکار در ساخت آثار نفیس این دوره انواع روش‌های صنعتی را به کار برده‌اند و حتی در بعضی از این آثار از تزئینات زرنگار و یا مینایی نیز استفاده کرده‌اند.

«در دوران سلجوقی هنر فلزکاری از نوع مفرغی ساده یا مفرغی طلاکوب و نقره کوب در خراسان به اوج و شکوفایی خاص رسید. ویژگی آثار این دوره استفاده زیاد از نقوش حیوانی و انسانی برای تزئین بدنه و نیز کتیبه‌های کوفی، ثلث و نسخ است که در انتهای حروف به نیم تنه نقوش انسانی و یا حیوانی ختم می‌شود.» (قدیر، افرون، «سهم خراسان در پیدایش، رواج، رشد و تعالی هنر ایرانی - اسلامی»: ۷۸)

از اوایل دوره سلجوقی تا اواخر عصر صفوی، نقاشان، خطاطان، فلزکاران و شاعران در خلق آثار فلزی با یکدیگر مشارکت داشته‌اند. هنر ایرانی همیشه بر مبنای تزئینات استوار بوده است و کتیبه نویسی بر روی آثار فلزی یکی از شاخه‌های آن است. متن کتیبه‌ها شامل دعا، آیات قرآنی، پند و اندرز، حدیث و اشعار فارسی بوده است.

با هجوم مغولان به ایران، هنر فلزکاری ایرانی که در دوره سلجوقی به اوج رسیده بود، از بین رفت، اما پس از به قدرت رسیدن تیموریان هنر فلزکاری خاص تیموری پدیدار شد. در این زمان، هنر فلزکاری رونق گذشته خود را بازیافت و فلزکاران توانستند در شهرهای مختلف، به‌ویژه هرات، آثار

مختلفی از مس، برنج، مفرغ، آهن و فولاد تولید کنند. از آن جمله می توان ظروف، اسلحه سرد، پایه شمعدان و گلدان های منسوب به خراسان را نام برد.

در پایان حکومت تیموریان، فلزکاران تیموری به خدمت دربار تازه تأسیس صفوی درآمدند. در فلزکاری صفوی که در امتداد سنت های گذشته و مهارت فلزکاران این دوره شکل گرفته بود، نبوغ و خلاقیت هنرمندان این عصر مشهود است. در این دوره سبک های تازه ای ایجاد شد و همچنین زیبایی و ظرافت، جایگزین شدت و خشونت گذشته شد. هنرمندان فلزکار در این زمان با تبعیت از تشیع و فرهنگ ایرانی که در آن روزگار در همه لایه های اجتماع نفوذ کرده بود، کار می کردند و این دو اصل را به گونه ای کار می کردند که قابل رؤیت باشد. «مثلاً در حکاکی ظروف و نقره کوبی، نوشتار اشعار فارسی با خطوط خوش نستعلیق جایگزین کتیبه های عربی شد، به جز آیات قرآنی و اسامی دوازده امام یا چهارده معصوم که به علت نفوذ تشیع در این دوره به شدت باب شد و کتابت آنها بیشتر با خطوط نسخ و ثلث بود، سایر نوشتارهای این زمان بر روی آثار فلزی به خط نستعلیق زیبا توسط خوشنویسان و توأم با نقش گل و برگ یا ترکیبات متنوع خطوط اسلیمی و هندسی صورت می گرفت.» (الهی، تجلی عاشورا در هنر ایران: ۲۹)

در فلزکاری عصر صفوی، گرایش های مذهبی و فرهنگی بیش از همه ادوار گذشته اهمیت داشته است. در واقع از سده دهم به بعد، برخی از اشکال ظروف از شکل بناها الهام گرفته است. نکته قابل ذکر این است که از این دوره کاسه های بسیاری موجود است که با خط نگاره، متون قرآنی و تا اندازه ای حدیث و دعا پوشیده شده اند. بسیاری از مسلمانان خواستار کاسه های دعایی بودند با اعتقاد به قدرت ویژه آنها. مانند همیشه مردم معتقد بودند که این کاسه ها معجزه گر هستند. به وسیله این کاسه ها به بیماران آب می نوشاندند با این اعتقاد که شفا از کلمات مقدس روی کاسه نشأت گرفته و به بیمار منتقل می شود.

«با مطالعه روی اشیاء فلزکاری دوره صفویه، مشاهده می شود که در بسیاری از موارد، هنرمندان اسامی امامان و پیامبر را همراه دعاهای خطاب به آنها در کنار هم حک می کردند. استفاده از آیات قرآنی در اشیاء فلزکاری همراه با اسامی امامان نیز از موارد قابل تأمل است. نکته شایان توجهی که می توان در به کارگیری از آیات و دعاهای برای تزئین اشیاء گفت، این است که این اشیاء در مراسم ویژه مثل نوشیدن و خوردن در امازده ها و سایر اماکن مقدس که بیشتر مردم پاک و آماده نماز بودند،

استفاده می‌شد. چرا که به کارگیری آیات قرآنی در اشیاء روزمره، از جهتی نشانه بی‌حرمتی به قرآن است. هنرمند به وسیله حک کردن اسامی امامان در اشیاء فلزکاری، علاقه و احترام خود را به اهل بیت پیامبر، آشکار می‌کرد. این علاقه به امامان و توصیف آنها به عنوان وارثان علم پیامبر، همراه با جانشینان‌شان این ادعا را تأیید می‌کند که هنرمند و حامی وی به طور یکسان سعی داشتند تا علم امامان و جایگاه دعا در فرهنگ شیعه را (که اشاره به وجود امامان و احترام به آنها دارد)، نشان دهند. می‌توان گفت که بیشتر کتیبه‌های فلزکاری عصر صفوی، مذهبی بوده و این اشیاء، بسیاری از عناصر شیعه را دربر دارند که شامل دعا، خطاب به امامان و به ویژه امام علی (ع) است، زیرا ایشان جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ شیعه دارند.» (شایسته‌فر، هنر شیعی: ۱۹۰)

شکوه و جلال فلزکاری ایران پس از سقوط دولت صفوی افول کرد و رو به ضعف نهاد. این هنر ملی که سابقه آن به پیش از تاریخ می‌رسید، پس از انقراض این سلسله آنقدر کم‌رنگ شد که اکنون جزو افسانه‌های تاریخ این سرزمین به شمار می‌آید.

اشیاء فلزی ویژه عاشورا

فصلنامه هنر
شماره ۸۲

۱۲۴

اشیاء فلزی که در مراسم عزاداری ماه محرم به کار برده می‌شوند، بدین شرح است:

۱- عَلم: عَلم‌های اولیه، چوب خشک شده یک صنوبر و یا درختی کشیده قامت مانند آن بوده‌اند. در تعریف آن باید گفت: چوبی به بلندی پنج یا شش متر که سر آن پنجه‌ای برنجین می‌گذارند و پارچه‌های رنگین قیمتی به چوب می‌بندند. بستن این پارچه‌ها به علم با آدابی خاص همراه است و در روز معین انجام می‌شود و به آن «عَلم بستن» می‌گویند و باز کردن این پارچه‌ها را نیز «علم واچینی» می‌گویند. عَلم در ابتدا جزئی از لوازم جنگی بوده است، ولی از هنگامی که به تشریفات عزاداری راه یافت، تغییراتی در آن به وجود آمد که امروزه شاهد آن هستیم. بزرگ‌ترین علم‌ها متعلق به تکیه‌هاست. عَلم در ابتدا متعلق به مشهد بوده است، ولی مردم قم از آن اقتباس کردند. در اکثر مواقع عرض این عَلم‌ها ۳ متر بوده و ۱۱ زبانه داشته است که زبانه وسطی بزرگ‌تر از بقیه بوده و حد فاصل بین زبانه‌ها با اشیاء فلزی به شکل کبوتر، طاووس، لاله، گنبد و بارگاه، پر می‌شده است. البته باید گفت که عَلم‌هایی بدین شکل هنوز هم وجود دارد. به شخصی که عَلم را حمل می‌کند، «علم‌کش» می‌گویند. «این شخص پایه علم را که از چوب ساخته شده، داخل بند تسمه‌ای که به کمر

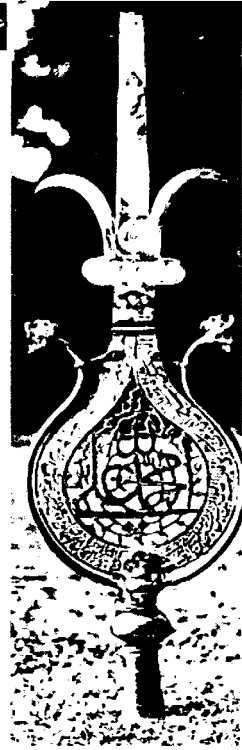
و شانه خود بسته قرار می‌دهد و با خم و راست شدن در برابر اماکن متبرکه حالتی به وجود می‌آورد که به نظر می‌رسد علم در حال تعظیم کردن است.» (الهی، تجلی عاشورا در هنر ایران: ۳۲)

قدیمی‌ترین علم‌های ایرانی که در موزه توفقایی استانبول نگاه‌داری می‌شود، مربوط به ترکمن‌های آق‌قویونلو و قره‌قویونلو بوده است که در دسته‌های سیاسی و مذهبی از آن استفاده می‌کرده‌اند. این علم‌ها که در زمان شاه اسماعیل و پس از رواج تشیع مورد استفاده در دسته‌ها قرار می‌گرفته است، از صفحه‌ای آهن به صورت تیغه‌ای باریک و بلند ساخته می‌شده است که در راس آن علامت و نشان سنتی و قومی قبیله و در شیعه مذهب‌ان نام‌الله، محمد، علی و یا الله و پنج تن نقره‌کاری یا کنده‌کاری می‌شده است. تیغه آهنین باریک و بلند، با صفحه‌ای مدور و بزرگ‌تر در انتهای تیغه خاتمه می‌یافت که دور این قاب را با سر اژدها می‌آراستند. این علم‌ها بر روی دسته چوبی یا فلزی قرار گرفته و پیشاپیش دسته‌ها حمل می‌شده است.

شکل بسیاری از سر علم‌ها به صورت درختی بوده است که سرهای اژدها از آن بیرون آمده. این سر علم‌ها یادآور درخت مقدس (درخت زندگی) ایران باستان است که هنرمندان مسلمان، جوهر معنایی آن را در جهت معنا دادن به فاجعه کربلا، که به بیانی حمله یزیدیان (اژدها) بر شجره نبوت (درخت مقدس) است، بهره برده‌اند. «اژدها (مار) در فرهنگ باستان، نماد اهریمن، برای سلطه بر درخت زندگی، ابتدا در صدد حمله به آب است تا آن را به آفت شوری و بدمزگی آمیخته و سبب خشکسالی در روی زمین شود و بر درخت زندگی تسلط پیدا کند.» (خزائی، «ترویج شمایل‌های زمینی، تضعیف پیام آسمانی عاشورا»: ۶)

در دوران زند و قاجار تزئینات دیگری نیز به علم اضافه شد. باید گفت که علم ما را به یاد مراسم سوگواری می‌اندازد و وقتی از دوردست و یا از میان جمعیت پدیدار می‌شود، گنبد و مناره‌های مقبره امام حسین (ع) را تداعی می‌کند. صفی از پرندگان در مکان‌های نورین و گنبد جای گرفته‌اند که از میان این پرندگان، کبوترها نماد امام حسن و امام حسین (ع) هستند. فرم‌های اصلی علم را تیغ می‌گویند که از جنس فتر (فلز فولادی) است اما اجزای دیگر علم از جنس برنج و ورشو است. طلا و نقره نیز گاهی در نقوش علم کاربرد داشته‌اند، به خصوص امروزه که روی تیغه‌ها را طلاکوب یا نقره‌کوب می‌کنند و یا تکه‌هایی از طلا یا برنج را قلم‌زنی کرده و به صورت مشبک در می‌آورند و به تیغه‌ها متصل می‌کنند. پرنده‌ها و حیوانات علم نیز از ورق آهن آب‌داده و یا فلز برنج آب‌داده ساخته می‌شوند.

علم مفرغی قدیمی، در دهکده لاکمه سر



علم بقعه آقا سیدمهدی در استلک لشت‌نشا (گیلان)

فصلنامه هنر
شماره ۸۲

۱۲۶



یکی از دو ازدهای مفرغی بقعه آقا سیدحسن و آقا سیدمحمود
در دهکده لشکریان سیاهکل (گیلان)

در گذشته عَلم‌ها یک زبانی بودند و تزئیناتی به آن متصل می‌کردند، ولی به تدریج تعداد تیغه‌ها زیاد شد و به شکل امروزی رسید. تعداد تیغه‌ها بستگی به سفارش دهنده عَلم دارد. گاهی هم از بچه تیغ استفاده می‌شود که حالت دو طفلان مسلم را دارد. علم پنج تیغه نیز به نیت پنج تن ساخته می‌شود. معمولاً تعداد تیغه‌ها باید فرد باشد، زیرا ما دوازده امامی هستیم و یکی از امامان ما غایب است و به همین دلیل یک تیغه کم می‌گذارند. روی تیغه‌ها معمولاً آیه‌های قرآن، وان یکاد، قسمتی از زیارت عاشورا و همچنین اسم ائمه نوشته می‌شود.

حیواناتی که در عَلم‌ها استفاده می‌شوند، عبارتند از:

شیر که همیشه در کنار شاه تیغ (تیغ اصلی) قرار می‌گیرد و حالت نگهبان دارد و نشان شجاعت و دلیری است. مرغ‌رخ که در کناره‌های عَلم قرار می‌گیرد و نگهبان و حافظ کل عَلم محسوب می‌شود. لازم به توضیح است که مرغ‌رخ در واقع همان بُراق است که حضرت محمد(ص) بر پشت آن سوار شد و به معراج رفت و پرنده‌ای است که صورت انسان دارد.

طاووس، قرقاول، شانه به سر، مرغ، کبوتر، شتر، گوزن، خروس، مرغ شاخدار، بلبل، گنجشک، مرغابی، قوچ و اژدها از دیگر حیواناتی هستند که بر روی علم از آنها استفاده می‌شود. علاوه بر این، بر روی علم از تزئیناتی نیز استفاده می‌کنند، از جمله: پر قرقاول که سفید رنگ است و گاهی نیز آن را با رنگ‌هایی مثل زرد، قرمز و ... می‌آریند و شال‌های ترمه به همراه تعداد زیادی زنگوله نیز به آن اضافه می‌کنند.

استفاده از پرندگان گوناگون به صورت سمبلیک در اشیاء عزاداری، نماد پرواز روح به سوی جهان حقیقت است.





مرغ رخ با تزئینات طلاکوب، مجموعه خصوصی
شاه حسین مرادی، مشهد مقدس

فصلنامه هنر
شماره ۸۲

۱۲۸



علم عزاداری در یکی از تکیه‌های تهران



علم به همراه تزئینات در دسته عزاداری در تهران

فصلنامه هنر
شماره ۸۲

۱۲۹



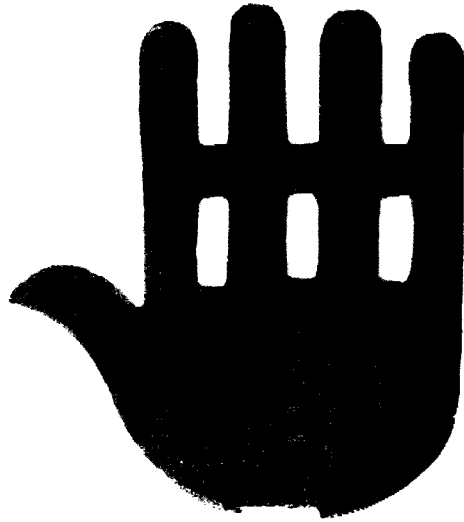
تزئینات علم به همراه پر در اطراف تیغه‌ها



تیغه علم به همراه تزئینات، مجموعه خصوصی شاه حسین مرادی

۲- قبه و پنجه: در کل به برآمدگی هر چیزی قبه می‌گویند، ولی منظور از قبه در اینجا، بنای بلند و گرد است که در ساخت آنها فقط از فلز برنج استفاده می‌شود و در سرپرچم‌ها و خیمه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اما پنجه یکی از شاخص‌ترین اشیاء سمبلیک عزاداری ماه محرم است و با اندازه‌های مختلف و در جاهای متفاوت و به مقدار بسیار زیاد در این مراسم استفاده می‌شود. پنجه سمبل دو دست بریده حضرت ابوالفضل (ع) است که در راه یاری رساندن به سیدالشهداء آنها را تقدیم حضرت حق کرد. «دست نماد دست بریده حضرت ابوالفضل (ع) نیز هست و شیعیان از آن در موارد مختلف استفاده می‌کنند. یکی از این موارد دست در علم‌های عزاداری و دیگری سقاخانه است.» (پرویز، تناولی، طلسم گرافیک سنتی ایران: ۷۴)



دست، برنج، اواخر قرن ۱۹م، ارتفاع: ۱۶ سانتیمتر

بنا بر نظریه‌های دیگر، دست نماد پنج تن آل عباس است که شامل حضرت رسول و خاندانش می‌شود. پنجه از فلز برنج و یا مس ساخته می‌شود و برای براق کردنش از آب نیکل استفاده می‌کنند. پنجه کامل از سه قسمت: ۱- پنجه، ۲- اژدها، ۳- پایه، تشکیل می‌شود.

فصلنامه هنر
شماره ۸۲

۱۳۱



مهر دعا به شکل دسته برنج، ۱۱۰۴ ه.ق، مجموعه دیوید خلیلی، لندن



نمونه‌ای از پنجه‌هایی که هم‌اکنون از آنها استفاده می‌شود

۳- زنجیر: یکی دیگر از وسایلی است که در مراسم عاشورا استفاده می‌شود و در واقع مجموعه‌ای است که از حلقه‌های فلزی شبیه به خوشه انگور که به دسته‌ای چوبی منتهی می‌شده و به تناسب سن افراد در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود. زنجیر، از چند رشته زنجیر تشکیل شده است که به صورت حلقه‌های شبیه بیضی به هم متصل شده‌اند. هر چه اندازه حلقه زنجیر ریزتر باشد، از مرغوبیت بیشتری برخوردار است.

پژوهشگاه‌های انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمونه‌ای از زنجیر که بنا بر سن افراد، در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود



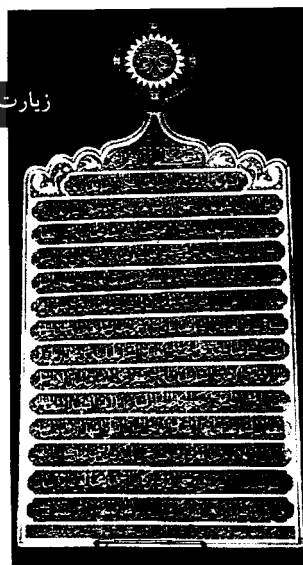
۴- ظروف آبخوری سقاخانه‌ها: سقاخانه محلی است که به یاد امام حسین (ع) و خانواده تشنه لبش که در صحرای کربلا آب را بر آنان بستند، در مسیر بازار یا مسجد و یا در طول خیابان وقف می‌شود تا آب در دسترس مردم قرار گیرد. سقاخانه‌ها از فلز یا سنگ ساخته می‌شوند و شکلی مدور دارند و گنبد و مناره‌های آن نماد مقبره امام حسین (ع) در کربلا است. یکی از چیزهایی که در گذشته تکایا به آن مجهز می‌شدند، سقاخانه بوده است.

برای آب خوردن نیز کاسه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گرفته که یک پنجه در داخل آن نصب می‌شده و معمولاً چهل کلید هم به آن وصل می‌کردند. این ظروف از جنس برنج بوده و به دلیل وجود کلیدها نام «چهل کلید» به آنها اطلاق می‌شده است. «در گذشته در داخل این ظروف آیه‌الکرسی و آیه‌های قرآنی نوشته می‌شد، ولی به علت اینکه این ظروف گاهی به زمین می‌افتاد و یا دست ناپاک و کثیف داخل آن می‌خورد، امروزه تنها مدح علی (ع) داخل آن نوشته می‌شود.» (الهی، تجلی عاشورا در هنر ایران: ۴۷)

۵- سنج: سازی کوبه‌ای است که از دو صفحه یا سینی مدور برنجی هم اندازه تشکیل شده که در وسطشان فرورفتگی نعلبکی ماندی وجود دارد. سنج از سازهای باستانی بوده است و اصلیت آن مربوط به مشرق زمین بوده و نزد مصریان و آشوریان رواج داشته است. کاربرد آن در تنظیم ریتم و موسیقی و حرکات است و صدایی بسیار پر قدرت و آمرانه دارد و در مراسم عاشورا باعث به جوش آمدن سینه زنان می‌شود.

۶- لوحه‌های دعای زیارت عاشورا: بسیاری از این لوحه‌ها امروزه در موزه‌های گوناگون نگهداری می‌شوند و بسیاری از آنها بر روی فلزات مختلف به صورت مشبک کار شده‌اند.

زیارت‌نامه مشبک فولادی، اصفهان ۱۲۶۴ ه.ق.، موزه مرکزی آستان قدس رضوی



۷- طلسم، چشم زخم؛ واژه طلسم از واژگانی است که در بسیاری از زبان‌های دنیا با اندک تغییری مشترک مانده است و تاریخچه‌ای کهن دارد. ایرانیان نیز از گذشته‌های دور با علوم طلسمی آشنا بوده‌اند. اساس طلسم بر علوم ماوراءالطبیعه بنا شده و درک آن برای همه میسر نیست، ولی اکثراً مضامین آنها مذهبی است و با نام خدا و پیامبر و امامان همراه است، ولی درک خط آن برای همه قابل فهم نیست.

چشم زخم که به آن تعویذ یا نظر قربانی می‌گویند، به دو صورت با نوشته و بی نوشته وجود دارد. این گونه از اشیاء، آزار و گزند می‌رساند که گمان می‌رود از تأثیر نگاه کسی به انسان می‌رسد را دفع می‌کنند. جنس بیشتر این اشیاء از فلزات بوده است، زیرا عوام معتقد بوده‌اند فلزها نیروی ذاتی دارند. اثربخش‌ترین فلزات در باور عامه، فولاد، سپس نقره و سرانجام برنج بوده است.

«طلسم‌ها و دعاهایی که بر فلزات حک شده، نشان‌دهنده وسعت عمل این رشته و همکاری اصناف مختلف است.» (تناولی، طلسم گرافیک سنتی: ۶۲)

برخی از طلسم‌ها کاملاً تصویری بوده‌اند و موضوع اصلی آنها انسان یا حیوان بوده و نوشته در اطراف و یا روی تصویر می‌آمده است. برخی طلسم‌ها نیز به شکل بدن و یا اعضای بدن انسان بوده است و به صورت آدمک‌های کوچک، مجسمه‌سازی می‌شده‌اند. طلسم‌ها انواع گوناگون دارند و برای مقاصد مختلفی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. از جمله جنبه‌های عشقی، دشمنی، تسخیری، همچنین شفاعت و بهبودی در بدن و اعضای آن.



یک نوع از طلسم‌ها، طلسم «چهل بسم‌الله» نام دارد که در خانواده‌هایی که بچه‌هایشان را از دست می‌دادند، استفاده می‌کرده‌اند تا بچه زنده بماند. در روز عاشورا نیز از این طلسم استفاده می‌کرده‌اند، بدین شکل که بچه‌هایی که در روز عاشورا به شکل سقالباس می‌پوشیدند و به مردم آب می‌دادند، از این طلسم استفاده می‌کردند. در کتب گوناگون از ابزار جنگی مختلفی مانند زره، دستبند، شمشیر و قمه، سپر و کلاه‌خود نیز به عنوان ابزار عاشورا نام برده‌اند که بیشتر جنبه نمادین دارند، ولی استفاده از قمه یک رسم افراطی در مراسم عاشورا است که امروزه تقبیح شده است.

بررسی بصری اشیاء فلزی مربوط به عاشورا

بنا بر مندرجات بخش‌های گذشته، حال به بررسی بصری اشیاء یاد شده می‌پردازیم. نکته‌ای که درباره علم‌ها جای تأمل دارد، شکل ظاهری تیغه‌هاست. همانگونه که توضیح داده شد، نخستین علم‌ها از چوب خشک درختان کشیده قامتی مانند صنوبر ساخته می‌شده‌اند. ولی باید دقت کرد که شکل ظاهری تیغه‌ها به شدت شبیه درخت سرو است که مانند صنوبر، درختی بلند و کشیده است. از آنجایی که نقش سرو بر دیگر وسایل عزاداری در برخی مناطق، از جمله بر پیشانی نخل‌های عزا در حوزه‌های کویری ایران وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که درخت سرو به عنوان نماد شهید در تیغه علم‌ها نشسته است و برای این مدعا دو دلیل وجود دارد: یکی اینکه بلندی درخت سرو می‌تواند بیانگر عروج شهید به سوی حق تعالی باشد و دیگر اینکه بریده شدن درخت پایان زندگی او نیست و درخت دوباره رشد می‌کند، همانگونه که به شهادت رسیدن، پایان زندگی نیست و خون شهید همیشه می‌جوشد و او را جاودانه می‌سازد. البته باید یادآور شد که علم‌هایی که امروزه شاهد آن هستیم، نسبت به علم‌های اولیه بسیار متکامل‌تر و تغییر یافته‌تر هستند. پس شاید بتوان به این نتیجه رسید که علم‌ها در ابتدا بسیار ساده‌تر از شکل امروزی خود بوده‌اند و خود علم و نه تیغه‌هایش که از اجزای الحاقی در روزگاران بعد هستند، به عنوان نماد درخت سرو و روح شهید کاربرد داشته‌اند.

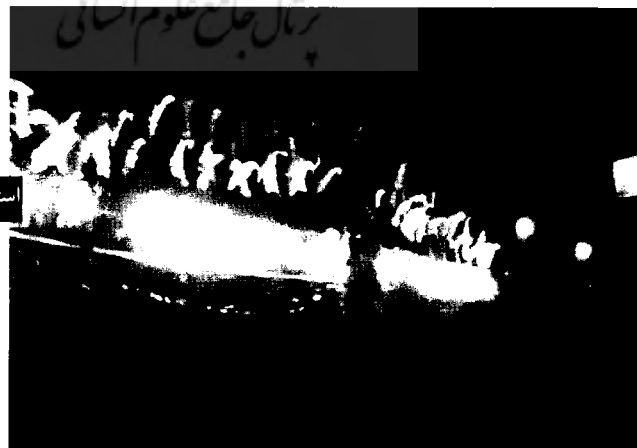
اکنون می‌توان به رمز وجود دو اژدها در طرفین شاه تیغ پی برد. از آنجایی که درخت سرو نماد شهید و علمدار کربلاست، دو اژدها که نماد پلیدی و نیروی اهریمنی هستند به این درخت سلطه یافته‌اند و به تعبیر دیگر بیانگر سلطه یزید و یزیدیان (در ظاهر) بر امام حسین (ع) و یارانش است.

«نخل (که در مناطق کویری استفاده می‌شود) نشانه نمادین تابوتی است که پیکر سالار شهیدان امام حسین (ع) را در بر دارد، و علم‌ها همچنان نشانه‌های نمادین علم و علمدار کربلا، حضرت عباس

(ع). «(میر شکرایی، «محرم و نشانه‌های نمادین»: ۵۶)

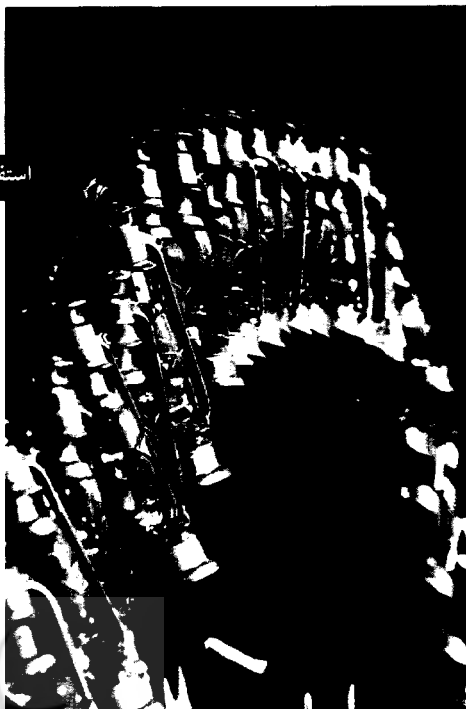
نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد اسم الله و یا الله و پنج تن است که با زیبایی و به صورت مشبک بر دل تیغه‌ها و به خصوص شاه تیغ نقش می‌شود و زیبایی فوق‌العاده‌ای را در کل تیغه به وجود می‌آورد و در نگاه اول جنبه مذهبی خود را باز می‌نماید. همچنین هماهنگی کاملی با حاشیه تیغ دارد که با خطوط ریزتر دور تا دور آن دعا و آیات قرآن نوشته شده است.

همانگونه که قبلاً گفته شد در روی علم از اشبای گوناگونی استفاده می‌شود، از جمله انواع مجسمه‌های فلزی، چراغ، تبر، انواع مجسمه پرندگان و حیوانات، زنگوله و... ولی نکته‌ای را که باید گفت این است که در ساخت علم‌ها از نظر شکل ظاهری و تزئینات تنوع و گوناگونی فراوانی وجود دارد و هیچ کدام از آنها شبیه هم نیستند. در ساخت علم‌ها هر چه از اشیاء مختلف بیشتری استفاده شده باشد و هر چه از لحاظ تزئینات پرکارتر باشند، نشانه‌های مزیت علم و شکوه و جلال آن و احترام هر چه بیشتر صاحب علم به سیدالشهداء و شهیدان کربلاست. در برخی از علم‌ها از چراغ استفاده فراوان می‌شود و در برخی دیگر از مجسمه‌های فلزی. با گذشت سالیان دراز استفاده از انواع مختلف مجسمه رو به فزونی گذاشته است، به گونه‌ای که حتی از مجسمه حیواناتی که مربوط به واقعه کربلا نبوده‌اند، نیز در تزئین علم‌ها استفاده می‌شود. باید گفت که زمینه‌های تاریخی - مذهبی دوره‌های متفاوت با هم ادغام شده‌اند و همگی در آیین عاشورا تجلی یافته‌اند. به طور مثال نقش آهو که در علم‌ها استفاده می‌شود، در واقع مربوط به امام رضا (ع) است، ولی از آنجایی که مظلومیت در وقایع مربوط به امامان مشترک است، هنرمندان از همه آنها برای بیان نمادین نبرد بر ضد ظلم و ستم استفاده کرده‌اند. و یا نقش مرغ‌رخ یا همان براق که پیامبر در شب معراج بر پشت آن سوار شد، و به معراج رفت نیز در تزئینات مراسم عاشورا جلوه‌گر شده است.



استفاده از چراغ در تزئینات علم، تهران

استفاده از چراغ در تزئینات علم، تهران



بیشترین حیواناتی که در تزئینات علم از مجسمه‌هایشان استفاده می‌شود، انواع پرندگان‌اند، زیرا نقش پرندگان به طور کلی نماد پرواز روح به سوی حق تعالی است. در باور عامه، پرنده، سمبل آزادی است و باید گفت که در اینجا نماد آزادی روح از جسم مادی و زمینی و اوج گرفتن به سوی جهان حقیقت است. به خصوص کبوتر که گفته شده نماد امام حسین (ع) و امام حسن (ع) است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد استفاده از زنگوله‌های فراوان در آرایش علم است. شاید دلیل استفاده از آن را بتوان بدین گونه شرح داد که در هنگام حرکت دادن علم صدایی که از این زنگوله‌ها به گوش می‌رسد، باعث تداعی هر چه بیشتر جوش و خروش موجود در حماسه کربلا و به هیجان آمدن خیل عزاداران می‌شود.

در مورد پنجه باید گفت که تنوع در اشکال ساخت آنها بسیار زیاد است و با اینکه موضوعی واحد بوده است، ولی هنرمندان مختلف به شکل‌های گوناگونی با آن برخورد کرده‌اند. برخی از آنها بلند و کشیده، برخی کوتاه و چاق، برخی با خطوط هندسی و برخی به صورت فرمی کاملاً ارگانیک تجلی یافته‌اند. حتی در فواصل بین انگشتان دست نیز تنوع وجود دارد. بر روی سطح آنها نیز انواع تزئینات

مختلف و در داخل همه آنها نوشته وجود دارد. گاه این نوشته‌ها دعا، گاه اسم ائمه و گاه آیات قرآنی هستند که با خطوط گوناگونی نوشته شده‌اند. در برخی نیز نقوش تجریدی گیاهی وجود دارد. ولی در همگی آنها بدون استثناء تزئینات پرکار و ریز نقشی موجود است. چه این تزئینات پیچش گیاهی باشند، چه بافت به هم تنیده حروف که حتی در هم نشینی با یکدیگر خوانایی خود را از دست داده‌اند، در همگی آنها وحدتی وجود دارد که چشم را در تمام سطح این پنجه‌ها به گردش در می‌آورد، بدون اینکه نقطه تمرکز خاصی در سطح آن وجود داشته باشد و شاید بتوان گفت که این خطوطی که چشم را با وقار و آرامش در کل سطح حرکت می‌دهند، تجلی وحدت در کثرت هستند که هنرمندان مسلمان با الهام و آگاهی کامل از روح هنر اسلامی، با زیبایی هر چه تمام‌تر این اصل را در ساخت این پنجه‌های ویژه عزاداری، به کار برده‌اند.

نتیجه گیری

جایگاه ویژه مراسم عزاداری در باورهای عامیانه ایران، پس از گذر از قرون متمادی و تغییر دین، شریعت و مذهب مردم این سرزمین به صورت مراسم عزاداری ماه محرم و عاشورا در قالبی نوین جلوه‌گر شد و برای بیان مفاهیم و پیام خود از هنرهای گوناگون بهره گرفت. فلزکاری که قدمتی به اندازه تاریخ این سرزمین دارد و حتی پیشینه آن به پیش از تاریخ می‌رسد، نیز یکی از هنرهای است که برای بیان مفاهیم عاشورا به کار گرفته شد و به صورت‌های مختلفی نظیر عَلم و اجزای آن مانند تیغه‌ها، مجسمه‌های گوناگون، تبر، چراغ‌ها، زنگوله‌ها و... نمود یافت.

با توجه به پیام آسمانی و معنوی عاشورا، هنرهای مورد استفاده در این آیین جنبه نمادین یافتند و هر یک از رسوم، اشیاء، ابزار و تزئینات گوناگونی که در هر یک از خطه‌ها و نواحی مختلف ایران به اشکال متفاوت اجرا و استفاده می‌شوند، به عنوان نمادی خاص و نشانگر مفهومی در پس ظاهر خود قلمداد شدند. بنابر این تمام هنرها و از جمله اشیاء فلزی مربوط به مراسم، دارای بار مفهومی و معنایی به خصوصی در پس صورت عینی خود شدند.

هنرمندان نیز با تکیه بر پیشینه غنی فرهنگی و تاریخی سرزمین خود، شروع به استفاده از نمادهای کهن ایران باستان در قالب‌هایی نوین کردند. بدین ترتیب بسیاری از عناصر نمادین و اسطوره‌ای باستان که متعلق به قبل از اسلام بودند، در هنر عاشورایی تجلی یافتند که به عنوان مثال می‌توان از

نقش اژدها، شیر، پرندگان گوناگون و همچنین سرو در عَلم‌ها به عنوان نماد شهید نام برد. علاوه بر اینها از عناصر دیگری نیز که متعلق به وقایع دیگر اسلام و نه واقعه عاشورا بوده‌اند نیز در این مراسم استفاده کرده‌اند، مانند مرغ‌رخ و آهو.

حال می‌توان نتیجه گرفت که هنر عاشورا که مناسب‌ترین بستر معنوی خود را بنا بر پیشینه فرهنگی این سرزمین یافت و در آن جاودانه شد، بر پایه و مبنای هنر همین مردمان شکل گرفت و عناصر کهن باستانی را در قالبی نو بیان کرد. در واقع همان سنت‌ها، اعتقادات، اسطوره‌ها و باورهای گذشته در کالبدی نو و تازه که امکان تداوم، تکامل، حیات و ماندگاری داشته باشند، تجلی و نمود یافتند.

منابع:

کتاب فارسی:

- الهی، محبوبه. تجلی عاشورا در هنر ایران، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

- تناولی، پرویز. طلسم گرافیک سنتی ایران، تهران، نشر بین‌گاه، ۱۳۸۷.

- شایسته‌فر، مهناز. هنر شیعی، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴.

نشریات:

- افرون، قدیر. «سهم خراسان در پیدایش، رواج، رشد و تعالی هنر ایرانی - اسلام»، کتاب ماه هنر، شماره ۹۲-۹۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵: ۸۵-۷۴.

- خزائی، محمد. «ترویج شمایل‌های زمینی، تضعیف پیام آسمانی عاشورا»، کتاب ماه هنر، شماره ۹۲-۹۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵: ۴-۶.

- میرشکرای، محمد. «زمینه‌های فرهنگی - تاریخی آیین‌های عاشورایی در جهان ایرانی»، کتاب ماه هنر، شماره ۸۹-۹۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۴: ۲۹-۲۶.

- میرشکرای، محمد. «محرم و نشانه‌های نمادین»، کتاب ماه هنر، شماره ۷۶-۷۵، آذر و دی ۱۳۸۳: ۵۶-۵۲.

مجموعه‌ها:

- آتینگه‌ارزن، ریچارد. یارشاطر، احسان. «سیمینه‌های درباری ساسانیان» در: اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه: هرمز عبداللهی، روین پاکباز، تهران، نشر آگه، ۱۳۷۹: ۱۲۹-۱۱۲.